رهنمودهاي قرآن كريم در ايجاد تمدن نوين اسلامي

رهنمودهاي قرآن كريم در ايجاد تمدن نوين اسلامي

ساجده العبدالخاني[1]

سطح 4 فقه خانواده

جامعه المصطفي العالميه ـ مجتمع آموزش عالي بنت الهدي

چكيده

دين مبين اسلام به عنوان تنها ديني است كه به تمام ابعاد زندگي انسان توجه ويژه اي نموده است. اسلام دين تمدن ساز است و نقطه آغاز شكوفايي علوم در تمدن اسلامي، قرآن كريم است. مسلمانان علوم خويش را از تحقيق و جستجو در معاني و مفاهيم آيات قرآن و سپس حديث آغاز كردند و لهذا نخستين شهري كه جنب و جوش علمي در آن پيدا شد مدينه بود، و نخستين مراكز علمي مسلمين مساجد بود و نخستين موضوعات علمي آنان مسائل مربوط به قرآن و سنت، و نخستين معلم شخص رسول اكرم است. علم قرائت، تفسير، كلام، حديث، رجال، لغت، نحو، صرف، بلاغت و تاريخ و سيره كه جزء نخستين علوم اسلامي است كه همگي زاييده قرآن و سنت ميباشند . قرآن در بنيان گذاري سنگ بنا و فرهنگ و تمدن اسلامي نقش بسزايي داشته و از همان قرن نخست هجري ، ابعاد تمدن سازي اسلام نمود عيني يافت. اين مقاله بر آن است كه با روش توصيفي- تحليلي به رهنمودهاي قرآن كريم در ايجاد تمدن نوين اسلامي كه شامل شكوفايي

علوم و دانشها، اختراعات ، صنايع آثار هنري و بناهاي كه در نتيجه تشويق ها و ترغيب هاي قرآني و سنت ،نصيب مسلمانان شده است ، بپردازد .

كليدواژها : تمدّن، قرآن كريم ، دين اسلام، رهنمود ها ، مسلمانان .

مقدمه

در شكل‌گيري و شكوفايي تمدّن‌ها عوامل و عناصر گوناگوني نقش دارند كه از مهم‌ترين آنها مي‌توان به دين و جهان‌بيني ديني اشاره داشت. از اين ميان، تاثير علوم اسلامي به طور كلّي، و قرآن به طور خاص اهميت ويژه اي دارد ؛ زيرا قرآن و حديث در نحوه و چگونگي شكل‌گيري علوم اسلامي عقلي، نقلي و تجربي داراي نقشي انكارناپذير بودند كه همان موجب شكل‌گيري تربيت و تمدّن اسلامي و عصر طلايي اسلام گرديد .

بذر اسلام در شبه جزيره صحراي سوزان عربستان كه به سان مرداب ساكتي بود جوانه زد. در شرايط سختي كه مردم از زندگي جز كوچ نشيني و صحرا گردي ، جهت يافتن چراگاهي براي احشام خود چيزي ديگري درک نمي كردند و اعتقادات و جهان بيني آنان مانند زندگي شان ,ساده و بي روح شده بود و خدايان سنگي و طلايي و چوبي و انواع باورها و اعتقادات خرافي بر زندگي آنها سايه افكنده بود درخت عظيم اسلام به بار نشست و زندگي نه تنها اعراب عربستان بلكه هزاران كليومتر آن طرف تراز نواحي اطراف را زيرو رو كرد و پس از اندك زماني تمدني عظيم از آنجا قد بر افراشت كه يكي از دوره هاي افتخار آميز تاريخ انسان به حساب ميآيد
بدون شك روح اين تربيت والا و تمدن عظيم از تعاليم اسلامي مايه ميگيرد و در درجه اول ، قرآن بود كه تار و پود آن را تنيد و زمينه را براي شكل گيري و شكوفايي آن مهياكرد.

به عبارت ديگر، قرآن به عنوان كتاب رستگاري بخش، داراي چنان مجموعه‌اي منسجم از تعاليم فلسفي، حكمي، عرفاني، اخلاقي، عبادي، سياسي و اجتماعي است كه استفاده از آنها اين امكان را به فيلسوفان اسلامي داد تا شكل جديدي از تفكّر عقلاني و فلسفي را ايجاد كنند كه متفاوت از گذشته بود. بنابراين، هدف اين تحقيق آشكارسازي تاثير آموزه‌هاي قرآن در بُعد تربيت و تمدّن‌سازي است كه اين مهم نه تنها در قرون گذشته محقّق شده، بلكه اين قابليت وجود دارد تا مسلمانان عصر حاضر با بازگشت

به قرآن و بازانديشي تفكّر عقلاني خويش و شكل دادن يک جهان‌بيني عقلي و ديني منسجم و كارآمد، خود را از عقب‌ماندگي علمي و معنوي و تربيتي نجات دهند و به باز توليد تمدّن نوين اسلامي اقدام كنند.

مفاهيم

1ـ تعريف واژه تمدن

اين واژه از اصل‌عربي » مدينه » گرفته شده و به معناي‌اقامت در شهر و خو گرفتن به اخلاق مردم آن به كار رفته است. (التحقيق، ١١ : ٥٥، «مدن») درفارسي نيز به معناي شهرنشيني ، اخلاق شهري پيدا كردن و انتقال از حالت خشونت،توحش و جهل به ظرافت، انس و معرفت (گلستان قرآن (هفته نامه)، ۴: ۶۱۰۹) و در مقابل‌باديه نشيني و بربريت‌به كار رفته است. (گلستان قرآن (هفته نامه)، ٣: ٣٨٣۶)

در زبان عربي حِضاره و اهل الحَضَر(شهر نشين) در مقابل اهل الوبَرَ به معني باديه نشين آمده است(نفيسی، 1355ش ، 5 : 3226).

واژه هاي المَدنية، الحَضَر، الحضارة (حميد طبيبيان، فرهنگ فرزان فارسی ـ عربی، ص٢٧٣) و و عربي در ترتيب به Civilizationلاتين‌براي رساندن مفهوم تمدن به كار مي‌روند.

از نگاه‌ابن خلدون (808- 732ق) ، تمدن حالت اجتماعي انسان است (عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، مقدمة ابن خلدون، ١ : ١٨٣و ۴١ ـ ۴٣) و فرايند آن در انتقال ازبداوت تحقق مي‌يابد؛ اهل باديه تنها به لوازم ضروريزندگي توجه مي‌كنند؛ ولي شهرنشينان اين مرحله را سپري كرده، به بهره هاي غير ضروري و تجمل درشئون زندگي مي‌پردازند، از اين رو تمدن نهايت باديه نشيني است و در پي آن پديد مي‌آيد .(ابن خلدون، 1 :١٢٢و ٣۶٨ ؛ تهانوی، 1996 م ، ٣٠٧)

به طور خلاصه تمدّن به مجموعه دستاوردهاي مادي بشر ميگويند ويل دورانت عناصر سازنده تمدن را اين گونه بر ميشمارد: كار، دين، اخلاق، علم، فلسفه، ادبيات، هنر و ... تمدن به هر شكل و صورتي كه باشد متشكل از عناصري است مانند زندگي مادّي، سازمان اجتماعي، زندگي معنوي و فكري و تكامل اين عوامل فقط در اثر تحولات بشري است.

معناي اصطلاحي تمدن

گرچه مفهومتمدن به‌طور عام از ديرباز وجود داشته و ابن خلدون با كليد واژه هاي «العمران» و «الحضارة» بدان پرداخته است ؛ (ابن خلدون، ۱: ۱۷۲، ۲۸۸ ـ ۲۹۰ ، ۳۷۱) ولي واژه ومفهوم اصطلاحي تمدن به معناي امروزي ازقرن ۱۸ ميلادي براساس ديدگاه انسان‌ْ محور در مغرب زمين شكل گرفته و دانشمندانعلوم اجتماعي تعريف‌هايي متفاوت از آن ارائه كرده اند؛ (ولايتی ، 1382 ش، 1: ۲۵ ـ ۲۷ ؛ التوحيد (مجله)، ۱: ۱۴ ـ ۱۶) گروه زيادي آن را مترادف با فرهنگ يا شكلي پيشرفته تر از آن دانسته و برخي ديگر حوزه معنايي آن دو را از يكديگر جدا كرده اند. (پژوهشهاي علوم انساني (فصلنامه) ، ج۱: ۹۵ ـ ۹۶ ؛ محمدي ري شهري ،1383ش ، ۹ ـ ۱۱) با وجود گوناگوني تعريف‌ها و دشواري ارائه تعريفي واحد از مفهوم تمدن، وجود سازمان و نظم اجتماعي و پيشرفت مادي و معنوي انسان، نقطه مشترک بسياري از ديدگاه هاي دانشمندان علوم اجتماعي اند.

مفهوم تمدن از نظر قرآن

با بررسي آيات قرآن، ويژگي‌هايي كه در تعريف تمدن دخيل هستند، را مي‌توان به شرح زير فهرست كرد:

1. تمدن ، محصول سه‌گانه : خدا، انسان و پيامبر است، يعني تمدن‌ ها هيچ‌ وقت فقط با صرف حضور عنصر انساني شكل نمي‌گيرند. چه تمدن‌ هاي پيامبران و چه ناپيامبران، در واقع در اين تربيت و تمدن‌ ها حضور خدا، پيامبر و يا ناپيامبر در آن‌ها مشهود است . (آياتي مثل: «قل‌ ‌ المشرق والمغرب » (بقره / 2، 115)،تأكيد مي‌كند كه همه عالم مال خداست حتي اگر تمدني هم شكل بگيرد يا وقتي مي‌گويد: «لقد ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط» (حديد / 57، 25)تأكيد مي‌كند كه تمدن‌ها از طريق پيامبران و كتابي كه با خودشان داشتند همواره شكل گرفته‌اند.) به دليل جايگاه خدا،‌ تمدن داراي آغاز و انجام است و حضور معاد نيز همواره در بحث از تمدن‌ها برجسته است. از نظر قرآن، در تمدن‌هايي كه بر اساس انديشه و كردار غيرپيامبران شكل گرفته نيز، خداوند حضور دارد چرا كه تمامي قدرت و علم از آن خداست؛ البته به دليل نگرش الحادي، فرمانروا‌ياني چون فرعون، خود را در مقام خدا ديده و تمدن موجود را به خود نسبت داده‌اند. از زاويه ديگر، قرآن تأكيد مي‌كند كه آغاز و انجام تمدن‌ها بر اساس فعاليت‌هاي خود انسان‌ها است . (ان ا‌ لا يغير ما بقوم حتي يغيروا ما بانفسهم»(رعد / 13، 11)، خود اين انسان‌ها هستند كه، آن قوم

يا آن جامعه هست که سرنوشت خودش را تغيير مي‌دهد يا تثبيت مي‌کند.)

2 . يکي ديگر از بحث‌هايي که در قرآن در خصوص تمدن‌ بيان شده ، وجود سنت‌هاي الهي است؛ يک سري سنت‌هايي هست که اگر رعايت شود آن تمدن‌ها رو به اصلاح و نيک سرانجامي مي‌رسند و اگر رعايت نشود، تمدن‌ها به زوال و فساد مي‌انجامند. سنت‌هايي چون راستگويي، شکران نعمت، توسل به صبر، رعايت تقوا، طغيان يا عدم طغيان در برابر حق، تبعيت يا عدم تبعيت از ظلم و ظالمان، از اين دسته‌ اند . (آياتي مثل:«قد خلت من قبلکم سنن فسيروا في الارض فانظروا کيف کان عاقبه المکذبين» (آل عمران / 3، 137)،که تصريح مي‌کند که تکذيب، کذب يا دروغ حالا به هر مصداق و معنايي که باشد مخل تثبيت و تداوم تمدن است. يا در « وضرب ا‌ مثلا قريه کانت آمنه مطمئنه ياتيها رزقها رغدا من کل مکان فکفرت بانعم ا‌ فاذاقها ا‌ لباس الجوع والخوف بما کانوا يصنعون» (نحل/ 16، 112)،که دارد مثال مي‌زند که حالا بحث بر سر آن قريه يا روستا و شهر و اينها نيست بالاخره يک مجموعه‌اي از انسان‌ها که داراي رزق و روزي بودند بعد کفران ورزيدند و به خاطر اين کفران بود که خداوند لباس گرسنگي و ترس را بر آنها پوشاند و رو به زوال نهادند يا در خصوص تمدن عاد: «الم تر کيف فعل ربک بعاد ارم ذات العماد» (فجر/ 89، 6 و7)،که در واقع تاکيد مي‌کند که نمودهاي مادي تمدن هم در عين حال مثال مي‌زند و يا ثمود: «الذين جابوا الصخر بالواد »(فجر/ 89، 9)،آنها که صخره‌ها را جابه‌جا مي‌کردند و از کوه‌ها مي‌آوردند به وادي‌ها و شهرنشيني را ايجاد مي‌کردند يا فرعون «و فرعون ذي الاوتاد» (فجر/ 89، 10)، داراي قدرت بود. اما همه اين‌ها «الذين طغوا في البلاد» (فجر/ 89، 11)،يعني طغيان کردند. «والي ثمود اخاهم صالحا قال يا قوم اعبدوا ا‌ ما لکم من اله غيره هو انشاکم من الارض واستعمرکم فيها فاستغفروه ثم توبوا اليه ان ربي قريب مجيب» (هود / 11، 61)،يا « فاما من طغي و آثر الحياه الدنيا»(نازعات /79، 37و 38)، در مجادله موسي با فرعون هست که «وقال موسي ربنا انک آتيت فرعون وملاه زينه واموالا في الحياه الدنيا» (يونس/ 10، 88)، که موسي در واقع با خدا مناجات مي‌کند که خدايا شما به فرعون زينت و اموال دادي در حيات دنيا «يضلوا عن سبيلک» تا بندگان را از راه گمراه بکند. که بعد موسي دعا مي‌کند «ربنا اطمس علي اموالهم » مال آنها را از بين ببر، «واشدد علي قلوبهم» قلب‌ هايشان را سخت و سنگ بگردان، « فلا يومنوا حتي يروا العذاب الاليم» (يونس/ 10، 88)،يا مثلاً خصوص تمدن فرعون مي‌گويد «فاتبعوا امر فرعون و ما امر فرعون برشيد» (هود / 11 ، 97)اينها چون از اوامر فرعون تبعيت کردند به رشد و نهايت کار نرسيدند. يا « قال موسي لقومه استعينوا با‌ واصبروا ان الارض ‌ يورثها من يشاء من عباده والعاقبه للمتقين» (اعراف / 7، 128)،که باز اشاره ميکند به تمدن يا عاقبت تمدن بشري که عاقبت زمين براي انسان‌ هاي متقي هست.

3. يکي ديگر از مباحثي که در آيات قرآن آمده است در خصوص تمدن نهايي در زمين هست، سرنوشت نهايي

تمدن بشر است ؛ این‌که در نهایت، حسب اراده خدا، مالکیت زمین از آنِ بندگان صالح خدا است .(ولقد کتبنا في الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادي الصالحون) (انبیاء/ 21، 195) (کهف/ 18، 24)،

رهنمودهاي تعالیم قرآن در تمدن اسلامی

قرآن افزون بر نظام ویژه‌ای که برای تمدن اسلامی ارائه می‌کند به گونه‌های ملموس در جنبه‌های مختلف دوره‌های تمدن و زندگی اجتماعی مسلمانان اثرگذار بوده است. البته بیان این نکته لازم است که میان جامعه مطلوب قرآنی با جامعه تاریخی اسلامی همواره تفاوت‌هایی بوده و همه اصول بیان شده در کلام وحی در جوامع مسلمانان به اجرا درنیامده است. (نصر، 1385 ش ، 164)

1. زندگی عمومی

مسلمانان به قرآن بسیار احترام می‌گذارند. آنان بدون وضو به خط آن دست نمی‌زنند و معمولاً برای تلاوت وضو می‌گیرند. آیات قرآن به فرهنگ عمومی مردم رسوخ کرده است. به کار بردن عبارات قرآنی مانند «بسم اللّه الرحمن الرحیم» (نمل/ 27، 30، «الحمد للّه» (حمد 1/ 1)، «إن شاء اللّه» (کهف/ 18، 24)، «سلام علیکم» (زمر/ 39، 73) در گفتگوها از سوی مسلمانان گواه این مدعاست. (نصر، 1385 ش ، 41- 42)

تعیین ملاك تقوا برای برتری انسان‌ها سبب شده تا گروه‌های مختلف نژادی در سراسر عالم به اسلام گرایش داشته باشند. برخلاف تفاوت‌های فرهنگی و عقیدتی، قرآن همواره عامل وحدت و اشتراك همه مسلمانان بوده است (نصر، 1385 ش ، 72)؛ برای نمونه آنان در سراسر جهان قرآن را به زبان عربی می‌خوانند. (نصر، 1385 ش ، 105) در بسیاری از مناطق در مجالس یادبود درگذشتگان، مهمانان نسخه‌های چاپ شده قرآن را قرائت می‌کنند؛ همچنین کشورهای اسلامی مسابقات قرآن برگزار کرده و بدین گونه به نگهداری و ترویج روش‌های ویژه خود در فن قرائت می‌پردازند. در نگاهی دیگر با پیشرفت و دگرگونی رسانه‌ها حضور قرآن در جامعه شکل جدیدی به خود می‌گیرد. در بسیاری از کشورهای اسلامی مانند عربستان سعودی، مصر و مراکش قرائت قرآن به طور دائم از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی پخش

مشود. در برخی کشورها این کار در بخشهایی از روز انجام میگیرد. (Qurn pediaofthe Encyclo, لوحهای و اینترنت مانند جدید امکانات و رسانهها ،این بر افزون (Social Sciencesand the Qurn فشرده به راحتی بسیاری از برنامههای قرآنی شامل قرائت، حفظ و تفسیر را در اختیار علاقمندان قرار میدهند.

2. آموزش

جاذبه قرآن به اندازهای بود که از همان روزهای نخست همه را به خود مشتاق کرد. افزون بر این، ترغیب پیامبر اکرم صلی ا علیه و آله به فراگیری و تعلیم قرآن (البخاری ،1407 ق ، 4 : 1919) این اشتیاق را دوچندان کرد. مردم برای شنیدن آیات وحی خود را به پیامبر صلی ا علیه و آله (السجستانی ، 3: 76؛ ابن اسحاق ، 4: 186 و 214) یا صحابه ایشان میرساندند و در صورتی که به آنها دسترسی نداشتند از رهگذران و کاروانیان میشنیدند. (معرفت، 1375 ش ، 239) تازه مسلمانها برای فراگیری احکام شرعی و خواندن نماز میبایست قرآن بیاموزند. به مرور زمان که شمار نومسلمانان افزایش یافت افراد ویژهای مأمور تعلیم قرآن شده (البخاری ،1407 ق ، 3: 1372 و 1385؛ همان ، 4: 912) و در مواردی به دستور پیامبر به مناطق دیگر سفر میکردند. (معرفت، 1375 ش ، 242- 243) قاریان قرآن در مسجد مینشستند و آیات را برای یکدیگر خوانده، به تصحیح قرائت یکدیگر میپرداختند. (ابن عبدالحکم ، 272) در مواردی هم آموزش بخشهایی از قرآن مهریه همسران قرار میگرفت.(البخاری ،1407 ق ، 2: 811 ؛ السجستانی، 2: 236 ؛ معرفت، 1375 ش ، 238) در دورههای بعدی نیز قرآن غالباً محور آموزش مسلمانان بوده است؛ برای نمونه در دولت عثمانی شمار مکتب خانهها که بیشتر در کنار مسجد قرار داشتند متعدد بود و شاگردان در آن قرائت درست قرآن را به عنوان نخستین درس فرا میگرفتند (ولایتی ، 1382 ش، 3: 267 ؛ ابن خلدون، 537) ؛ همچنین در برخی کشورها مدارس حفظ قرآن، اصول حفظ و تفسیر را به قرآنآموزان میآموختند. (diaofthe Encyclope آل) «الالباب اولوا» مانند کلیدواژههایی با فراوانی آیات(Qurn, Social Sciencesand the Qurn عمران/ 3، 190)، «علم» (زمر/ 39، 9)، عقل (بقره/ 2، 164) و «برهان» (نمل/ 27، 64) انسان را به تفکر و علماندوزی تشویق کردهاند. برخی از آیات به مشاهده آسمان و زمین و پدیدههای آن دعوت میکنند (ق/ 50، 6) و بعضی دیگر از او میخواهند به گردش در زمین و بررسی آثار تاریخی بپردازد (روم/ 30، 42)، از اینرو کسب دانش به ویژه نجوم، ریاضیات و تاریخ میان مسلمانان اهمیت ویژهای یافت. نهضت ترجمه نیز که از میانه قرن دوم شروع شد و به مدت دو سده ادامه داشت پیامد ترغیب قرآن

به کسب دانش بود. (ولایتی ، 1382 ش، 1: 85- 86)

افزون بر این، به مرور زمان دانش‌های لغت، نحو، معانی و بیان، کلام متأثر از قرآن و تفسیر و قرائت و تجوید و دیگر علوم قرآنی در ارتباط با آن پدید آمدند. با آمیختن عرب و عجم و از بین رفتن خلوص زبان عربی، بسیاری از واژه‌ها دستخوش دگرگونی معنایی شدند، به گونه‌ای که فهم قرآن نیز دچار مشکل شد. در نخستین گام خلیل بن احمد فراهیدی (م. 175 ق.) برای حفظ واژه‌های عربی، کتاب العین را نوشت. (ابن خلدون، 548) اعراب نیز همداستان با لغت مورد توجه دانشمندان مسلمان قرار گرفت و ابوالاسود دوئلی (م. 69 ق.) نخستین قواعد آن را پایه‌ریزی کرد. سپس سیبویه (م. 180 ق.) نخستین کتاب مبسوط نحوی را با عنوان الکتاب تألیف کرد. (همان، ص 546) مسلمانان با هدف فهم اعجاز ادبی قرآن قواعد علم معانی و بیان را نیز تدوین کردند. (قربانی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص 77) تفاوت برداشت‌ها از آیات اعتقادی (همان، ص 532) و اختلاف بر سر قدیم یا حادث بودن قرآن (تهانوی، 1996 م ، 2 : 1306- 1308) سبب پیدایش تدریجی دانش کلام گردید.

با گسترش اسلام در میان ملت‌های غیر عرب، آنان برای فهم قرآن نیاز به ترجمه داشتند. گرچه جریان ترجمه مخالفانی نیز داشت (المراغی، 1401 ق ، 13- 23 ؛ یاسر ایازی، اهتمام ایرانیان به قرآن، ص 40- 41) ؛ ولی نیاز یاد شده سبب گردید تا از همان ابتدا کسانی به ترجمه قرآن بپردازند. گفته‌اند که سلمان فارسی نخستین مترجم قرآن بود که «بسمله» را به زبان فارسی برگرداند. (الزرقانی، 1416 ق ، 2 : 114- 115؛ معرفت، 1375 ش ، 653 ؛ سلماسی زاده، 1369 ش ، 89) امروزه قرآن به زبان‌های گوناگون دنیا ترجمه شده است، (سلماسی زاده، 1369 ش ، 90) گرچه در مواردی خالی از غرض‌ورزی مترجمان و قصد تبلیغ بر ضدّ اسلام نبوده است. (معرفت، 1375 ش ، 653- 657)

در دوره نخست مردم به سبب آگاهی از شأن نزول آیات و عرب زبان بودن، در فهم قرآن کمتر با مشکل برمی‌خوردند؛ ولی با فاصله گرفتن از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اسلام آوردن غیر عرب‌ها، مسلمانان بیش از پیش به تفسیر آیات نیاز پیدا کردند. تأسیس دانش تفسیر (قربانی، 77) و دیگر علوم مرتبط با قرآن، پیامد تغییر یاد شده در زندگی مسلمانان به شمار می‌رود؛ برای نمونه دانش قرائت از شکل‌گیری قرائت‌ها از زمان نزول تا مرحله قرائات شاذ و نادر، اقسام قرائت‌ها از جهت مطابقت با قواعد عربی و رسم و سند آن، ریشه اختلاف‌ها و مانند آن‌ها بحث می‌کند. (خرمشاهی، 1377 ش ، 1472)در بخش‌هایی از جهان اسلام نیز مکتب‌هایی خاص در این رابطه پدید آمدند و برای مثال تا پایان قرن چهارم قمری مردم اندلس به پیروی از مصر و افریقیه به قرائت «نافع» به روایت «ورش» قرآن می‌خواندند. (بجنوردی، 1372ش ، 10: « اندلس- تاریخ»)

علم تجوید نیز دو مرحله دارد: در بخش نظری از قواعد درست خواندن حروف و کلمات قرآن و دیگر مباحث آواشناسی گفت و گو می‌شود.

در مرحله عملی هم قواعد را براساس استماع و اداء به افراد می‌آموزند.(حداد عادل و دیگران،1378 ش، 6 : 601- 602) با گذشت زمان و رونق دانش تفسیر، مفسران با رویکردهای گوناگون به تفسیر قرآن پرداختند. تفاسیر ادبی، کلامی، عرفانی، فقهی و ... نمونه‌هایی از این دست به شمار می‌روند.

در سده اخیر بسیاری از مفسران با پرداختن به جنبه‌های اجتماعی قرآن کوشیده‌اند تا مفاهیم آن را بیش از پیش وارد زندگی مسلمانان کرده و از آن برای حل مشکلات و عقب ماندگی‌های سده‌های اخیر جهان اسلام استفاده کنند. سید قطب (م. 1386 ق.)، آیت ا طالقانی (م. 1399 ق.)، علامه فضل ا و بسیاری دیگر از مفسران از این جمله‌اند.

3. شعر و ادبیات

قرآن تأثیر فراوانی بر ادبیات و شعر مسلمانان داشته است. از همان نخست شاعران تازه مسلمان عرب مانند حسان بن ثابت، کعب بن مالك و عبدا بن رواحه با بهره‌گیری از مضامین وحی شعر می‌گفتند (العسکری ، 1: 81 ؛ راغب اصفهاني ، 1420 ق.، 2 : 454) در سده‌های بعدی نیز کلام خدا الهام بخش شاعران مسلمان غیر عرب بوده است.

در فارسی رودکی (ولایتی ، 1382 ش، 1: 310- 311) ، فردوسی، سعدی (همان، ص 313) ، مولوی (مثنوی معنوی، دفتر اول، ص 4) و در ترکی ادیب احمد یوکنکی (م. قرن 6 ق.) و خواجه احمد یسوی (م. 562 ق.) (ولایتی ، 1382 ش، 1: 325- 326) از این جمله‌اند.

افزون بر این ترجمه تفسیر جامع‌البیان طبری و نیز نگارش تفاسیری به نثر شیوای فارسی مانند روض الجنان ابوالفتوح رازی (م 554 ق.) و کشف‌الاسرار رشیدالدین میبدی (م. 520 ق.) نمونه‌هایی از حضور قرآن در ادبیات دوره‌های اسلامی‌اند. گذشته از این، شاهکارهای ادب فارسی همچون گلستان سعدی و منشآت قائم مقام فراهانی از قرآن فراوان بهره برده‌اند.(ولایتی ، 1382 ش، 1: 322، 324)

4. هنر

قرآن در شکل‌دهی و الهام بخشی به هنرهایی که در بستر تمدن اسلامی رشد کرده‌اند تأثیر فراوان داشته است؛ از یك سو آیات همواره به هنرهای اسلامی زینت بخشیده‌اند. هنر خطاطی دنباله قرآن‌ نویسی در صدر اسلام بوده و در بستر نگارش آن رشد کرده است. در دوره نخست، خط عربی ساده و ابتدایی بود و نویسندگان، قرآن را با نوشت‌افزارهای ابتدایی (معرفت، 1375 ش ،213- 217) و خطی نازیبا و دارای غلط می‌نوشتند (ابن خلدون، 419) ؛ ولی با گسترش اسلام و بهبود نوشت‌افزار، پیشرفت خط، سیر تکاملی خود را پیمود و قرآن نقطه و اعراب‌گذاری شد. با گذشت زمان قرآن را به «جزء»، «حزب» و ... تقسیم کردند و در نسخه‌های آن مکی و مدنی و شماره آیات را می‌نوشتند. پس از این مرحله هنرمندان به تزیین و تذهیب در نگارش قرآن دست یازیدند، به گونه‌ای که عامه مردم آن را از لوازم جدایی‌ناپذیر نگارش پنداشتند. از اوایل قرن پنجم قمری هم خط زیبای نسخ جای کوفی را گرفت. (معرفت، 1375 ش ، 478- 484 ؛ معرفت ، 1411 ق ، 1: 404)

گنجینه های نفیسی از نسخه های خطی در مناطق مختلف اسلامی وجود دارد که به زیبایی قرآن را نگارش کرده‌اند. (معرفت، 1375 ش ، 493 به بعد) نوشتن آیات قرآن با خط خوش به اندازه‌ای اهمیت داشته که برای نمونه حاکم سلسله گورکانی هند، ظهیرالدین بابر، خود قرآن را با خط زیبا نوشت و به کعبه هدیه کرد. (علی اصغر حکمت، سرزمین هند، ص 125) افزون بر این کاشی‌های رنگین ایرانی به شکل اسلیمی و با گل و بوته و آیاتی از قرآن تزیین شده و در مساجد و کاخ‌های پادشاهان به کار می‌رفته‌اند. (هورست ولدمارجنس، تاریخ هنر ، 1359 ش ، 206 ؛ ولایتی ، 1382 ش، 3: 148) سفارش قرآن به آباد کردن مسجد (توبه/ 9، 18)، مشوق هنرمندان مسلمان برای خلق جلوه‌های هنری زیبا در مساجد بوده است. با پیدایش صنعت چاپ، قرآن‌هایی ابتدا در برخی کشورهای اروپایی و پس از آن در کشورهای اسلامی به چاپ رسید. نخستین چاپ اسلامی قرآن از سوی مولا عثمان در پطرز بورگ روسیه در سال 1200 هجری/ 1787 میلادی انجام گرفت. امروزه در سراسر جهان اسلام چاپ و نشر قرآن با اشکال متنوع و زیبا صورت می‌گیرد. (معرفت ، 1411 ق ، 1: 405 و 406)

خواندن قرآن با غنا ممنوع است (نجفي، 1404 ق ، 22: 47) ؛ ولی مسلمانان با اثرپذیری از کلام پیامبر اکرم صلی ا علیه و آله مبنی بر خواندن قرآن با صدای خوش (كليني ، 1375 ش ، 2: 614- 616 ؛ بخاري ، 1407 ق ، 6: 2743 ؛ السجستانی ، 2: 74)، فن نغمه‌شناسی یا صوت و لحن را ابداع کردند

که از زیرمجموعه‌های تجوید است. متخصصان این هنر در سراسر جهان اسلام با توجه به معانی و موضوعات قرآن، الحان و نغمات متناسب با آن را به کار برده، حالت‌های متفاوتی مانند اندوه و سرور را در شنوندگان پدید می‌آورند. (القبانی ، 1991 م ، 111)

از سوی دیگر هنر اسلامی در ذات خود از آموزه‌های وحی الهام گرفته است. حضور فراوان «خلأ تصویر و نگارگری» در هنر اسلامی که به شکل ویژه در هنرهای تجسمی نمود بیشتری دارد ثمره مبانی متافیزیکی توحید و شعار «لا إله إلا اللّه» (آل‌عمران/ 3، 2) است که پیام ناپایداری غیر خدا و وجود خدا در فراسوی همه واقعیت‌ها را القا می‌کند، از این‌رو جنبه‌ای از نیستی و خلأ در ذات هر موجودی ثابت می‌شود.

در آثار هنری، وجود خلأ و غیبت جسمانیت از یک‌سو و جنبه‌های مثبت فرم، رنگ و ماده از سوی دیگر بر وجه انعکاسی اشیا و نیز نشانه‌های واقعیت برتر جهان تطبیق می‌کنند. سبك اسلیمی با بسط و تکرار فرم‌ها با خلأ ارتباط برقرار کرده و چشم و ذهن را از سکون و ماندن در بند موضوعات جسمانی می‌رهاند و به تعبیری با گریز از تشبه به جسد، وحدت الوهی را القا می‌کند. این روش با خودداری از شمایل‌نگاری، حس حضور فرا زمانی و بی‌مکان بودن خدا را در بیننده ایجاد می‌کند؛ همان چیزی که آموزه وحی بر آن تأکید می‌کند که به هر سو رو کنید آنجا وجه خداست:«فَأَینَما تُوَلّوا فَثَمَّ وَجهُ اللّهِ». (بقره/ 2، 115) معماری سنتی اسلامی با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، کوچه‌ها، باغ‌ها، بازارها و مسجدهایی بنا کرده است که بدون حضور مادیت، امکان تجربه معنوی حضور الهی را برای بیننده فراهم می‌کند.(نصر، 4)

نتیجه

ارمغان جاودانه اسلام براي بشريت فرهنگ و تمدن عظيم وتربيت جامعي بود که بشريت را براي هميشه وامدار خود نمود. در رسيدن به اين تمدن ، قرآن کريم مرکز ادبيات مدون عرب و نقطه اساسي علم و علم آموزي بود.

قران جايگاه خاص و ويژه اي نزد مسلمانان داشته و کتاب ارزشمند آنهاست بطور قطع تمدن اسلامي برگرفته از تعاليم نوراني قرآن بلکه زيربناي تمدن اسلامي ، قرآن کريم ميباشد .

قرآن؛ در ارزشها , آداب و سنن اخلاقي و اجتماعي و پايه هاي اعتقادي ملت هاي كه بدان گرائيده بود تحول و دگرگوني عميق همه جانبه و فراگير ايجاد كرد و ديد آنها را نسبت به زندگي ، حكومت و جهان تغيير داد .با استفاده از اين ويژگي بود كه مسلمانان توانستند در همان قرن نخست هجري و پيش از انتقال علوم ديگران ، تربيت اسلامي يابند و خود صاحب فرهنگي اصيل ، وسيع و عميق باشند .

منابع

1. قرآن.

2. ابن اسحاق (م. 151 ق.)، السیر و المغازی، به کوشش محمد حمید اللّٰه، معهد الدراسات والابحاث.

3. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمة ابن خلدون، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.

4. بجنوردی ، کاظم ، 1372 ش ، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ.

5. بخاری (م. 256 ق.)، 1407 ق، صحیح البخاری، به کوشش مصطفی دیب البغا، بیروت، دارابن کثیر، الیمامة.

6. تهانوی، محمد علی ، 1996 م ، موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، بیروت، مکتبة لبنان ناشرون.

7. حجتی، محمد باقر،1376 ش، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم ،تهران، فرهنگ اسلامی.

8. حداد عادل ، غلامعلي ، و دیگران، 1378 ش ، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.

9. حکمت، علی اصغر، 1377 ش ، سرزمین هند، تهران، دانشگاه تهران.

10. خرمشاهی، بهاءالدین، 1377 ش ، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان.

11. راغب اصفهاني، حسین بن محمد ،1420 ق ، محاضرات الادباء، به کوشش عمر الطباع، بیروت، دارالقلم.

12. الزرقانی، محمد عبدالعظیم ، 1416 ق، مناهل العرفان ، لبنان، دارالفکر.

13. ساروخانی، باقر ، 1370 ش، درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.

14. السجستانی (م. 275 ق.)، بي تا ، سنن ابی داود، به کوشش محمد محی الدین، دارالفکر.

15. سلماسی زاده ، جواد ،1369 ش، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، تهران، امیرکبیر.

16. شکوهي، غلام حسین، 1382 ش ، مباني و اصول آموزش و پرورش، مشهد ، آستان قدس رضوي.

17. کليني، محمد بن یعقوب ، 1375 ش، الکافی ، به کوشش غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة.

18. عبدالرحمن بن عبدالحکم (م. 257 ق.)، فتوح مصر و اخبارها، بغداد ، مکتبة مثنی.

19. عربی القبانی، محمد ، 1991 م ، کفایة المستفید، دمشق، دارالخیر

20. العسکری، حسن بن عبداللّٰه ، بي تا ، دیوان المعانی، بیروت، دارالجیل.

21. قربانی، زین العابدین ، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.

22. محمدي ري شهري، محمد ،1383 ، گفتگوي تمدن ها،قم ، دارالحدیت، سازمان جاپ و نشر.

23. المراغی، محمد مصطفی، 1401 ق ، بحث فی ترجمة القرآن الکریم، بیروت، دارالکتاب الجدید.

24. معرفت، محمد هادی ،1375 ش، تاریخ قرآن، تهران، سمت.

25. معرفت،محمد هادي ،1411 ق، التمهید فی علوم القرآن، قم، نشر اسلامی.

26. مطهري، مرتضي ، 1375ش ، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران ، انتشارات صدرا.

27. نجفی، محمد حسن ، 1404 ق، جواهرالکلام، به کوشش قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

28. نفیسی، علی اکبر ، 1355ش ،فرهنگ نفیسی، تهران، خیام.

29. نصر، حسین ، 1385 ش ، قلب اسلام، ترجمه: خرازی، تهران، نشر نی.

30. ولایتی، علی اکبر ، 1382 ش، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهش.

31. ولدمارجنس، هورست ،1359 ش، تاریخ هنر، ترجمه: مرزبان، تهران، علمی فرهنگی.

فهرست مجلات

32. پژوهشهای علوم انسانی (فصلنامه)، دانشگاه قم.

33. خردنامه همشهری (ماهنامه) حسین نصر .

34. الفکر الاسلامی (مجله)، مجمع الفکر الاسلامی.

35. گلستان قرآن (هفته‌نامه)، تهران، مرکز توسعه و ترویج فعالیتهای قرآنی.

36. مطالعات تاریخی (فصلنامه)، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی .

فهرست لاتین

37. Oxford Advanced Learners Dictionary. Encyclop ediaofthe Qurn, Social Sciencesandthe Qurn Vol 5, pp, 76.

38. Encycl opediaofthe Qurun, Social Science sandthe Qurun Vol 5, pp 86.

39. Encyclopediao fthe Qurn, Social Science sandthe Qurn,

[1]. Sajida.2013@yahoo.com

پژوهشگرواستاد همکار جامعه المصطفي العالميه مجتمع آموزش عالي بنت الهدي ـ مقطع سطح 4 ـ فقه خانواده ـ تلفن همراه : 09127474362 و 09379293307.